



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ۵۱۴۵۱

تاریخ ۱۳۸۰/۹/۱۱

پیوست ۹ برگ

بیتان

شورای محترم نگهبان

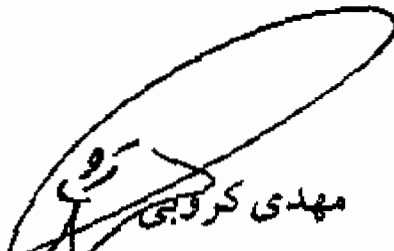
ورود به دبیرخانه شورای نگهبان

شماره ثبت: ۸۰/۱۱/۱۳۵ صبح

تاریخ ثبت: ۸۰/۹/۱۲ عصر

اقدام کننده: خویش

لایحه شماره ۲۳۷۷۹/۲۴۷۸ مورخ ۱۳۸۰/۱/۲۹ دولت در مورد اصلاح پاره‌ای از مواد قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب که در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۸۰/۹/۶ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی در عنوان و متن به تصویب رسیده است، در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می‌گردد.


مهدی کروچی
رئیس مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ۵۱۴۵۱

تاریخ ۱۳۰۴/۱۲/۲۰

پست

مجلس

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان

شماره ثبت: ۸۶/۱۱/۱۳۵ صبح ۲

تاریخ ثبت: ۸۶/۹/۱۲ عصر

اقدام کننده: خویش

لایحه اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب

ماده واحده - قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب - مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ -
به شرح ذیل اصلاح می گردد:

۱ - ماده (۱) به شرح ذیل اصلاح می شود:

ماده ۱ - دادگاههای بدوی دادگستری به دادگاههای عمومی و اختصاصی تقسیم می شوند. دادگاههای عمومی صلاحیت رسیدگی به کلیه دعاوی را دارند مگر آنچه را که قانون استثناء کرده است و دادگاههای اختصاصی صلاحیت رسیدگی به هیچ دعوایی را ندارند، مگر آنچه را که قانون تصریح کرده باشد. دادگاه نظامی دادگاه اختصاصی است.

۲ - ماده (۳) و تبصره های (۲) و (۳) آن به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به عنوان تبصره (۴) به آن الحاق می گردد:

ماده ۳ - در هر حوزه قضائی که دادگاه عمومی تشکیل شده یا بشود یک دادسرا نیز در معیت آن تشکیل می گردد. تشکیلات، حدود صلاحیت، وظایف و اختیارات دادسرای مذکور که «دادسرای عمومی و انقلاب» نامیده می شود، تا زمان تصویب آئین دادرسی مربوطه که حداکثر شش ماه پس از تصویب این قانون خواهد بود، بر طبق قانون اصول محاکمات جزائی و اصلاحات بعدی آن و قانون امور حسبی و سایر قوانین می باشد. →

تبصره ۲ - رسیدگی به جرائم داخل در صلاحیت دادگاههای نظامی از شمول این قانون خارج است و در دادسرا و دادگاه نظامی انجام می شود.

تبصره ۳ - جرائمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱۴۵۱-۵

تاریخ ۱۱/۱۱/۵۷

پست

بتعمالی

یک میلیون (۱ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال می باشد و جرائم اطفال مستقیماً در دادگاههای مربوط مطرح می شود و دادسرا در این موارد دخالتی ندارد.

تبصره ۴ - با اجرای این قانون کلیه پرونده های موضوع تبصره (۱) ماده (۴) در هر مرحله ای که باشند جهت ادامه رسیدگی به دادگاه کیفری استان مربوطه ارسال و سایر پرونده های موجود کماکان در همان دادگاه و بدون نیاز به کیفرخواست رسیدگی و صدور حکم خواهد شد.

۳ - ماده (۴) به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می شود:
ماده ۴ - هر حوزه قضائی که دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد آن شعب به حقوقی و جزائی تقسیم می شوند. دادگاههای حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاههای جزائی فقط به امور کیفری رسیدگی خواهند نمود.

تخصیص شعبی از دادگاههای حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزائی خاص مانند امور خانوادگی و جرائم اطفال با رعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است.

در صورت ضرورت ممکن است به شعبه جزائی پرونده حقوقی و یا به شعبه حقوقی پرونده جزائی ارجاع شود.

تبصره - رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا صلب یا اعدام یا حبس ابد است و همچنین رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی به نحوی که در مواد بعدی ذکر می شود در دادگاه کیفری استان به عمل خواهد آمد.

رسیدگی به کلیه اتهامات اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان نمایندگان مجالس خبرگان و شورای اسلامی، وزراء و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفراء، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضائی،



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

بتتبعی

شماره ۱۴۵۱

تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۲

پوست

استانداران، فرمانداران و افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استانها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می باشد.

۴ - ماده (۸) به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۸ - قضات دادگاهها و دادرهای عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و تصمیم قضائی را اتخاذ نمایند.

۵ - در ماده (۱۰) عبارت «قاضی تحقیق» حذف و عبارت «دادرس علی البدل» جانشین آن می شود.

۶ - ماده (۱۲) به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف و تبصره زیر جایگزین می شود:

ماده ۱۲ - در شهرستان؛ رئیس دادگستری؛ رئیس حوزه قضائی و رئیس دادگاهها است و در مرکز استان رئیس کل دادگستری استان، رئیس کل دادگاههای تجدیدنظر و کیفری استان است و بر کلیه دادگاهها و دادرها و دادگستریهای حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت. همچنین رئیس دادگستری هر حوزه بر دادرای آن حوزه نظارت و ریاست اداری دارد.

تبصره - هر قاضی منحصرأ می تواند در یک شعبه دادگاه انجام وظیفه نماید و صدور ابلاغ در بیش از یک شعبه دادگاه در یک زمان با هر عنوان برای یک نفر ممنوع می باشد.



مبتنی

۷ - متن زیر جانشین مفاد ماده (۱۳) شده، سه تبصره به عنوان تبصره‌های (۱)، (۲) و (۳) به آن الحاق می‌گردد:

ماده ۱۳ - برای تأمین کادر قضائی دادرها، رئیس قوه قضائیه از قضات تحقیق فعلی و دادرسان علی‌البدل دادگاهها و سایر قضاتی که مقتضی بداند استفاده خواهد نمود و شعبی از دادگاهها را که با تأسیس دادرسا غیرلازم تشخیص دهد منحل خواهد کرد و حتی‌الامکان حذف شعب اضافی از آخرین شعب دادگاهها انجام خواهد شد.

تبصره ۱ - گروه شغلی «دادستانها» برابر گروه شغلی «رئیس دادگستری شهرستان» و گروه شغلی «دادستان تهران» برابر گروه شغلی «رئیس کل دادگستری استان تهران» خواهد بود.

تبصره ۲ - گروه شغلی «معاون دادستان و بازپرس» برابر گروه شغلی «رئیس شعبه دادگاه عمومی» و گروه شغلی «دادیار» برابر گروه شغلی «دادرس علی‌البدل دادگاه» خواهد بود.

تبصره ۳ - رئیس کل دادگستری استان باید حداقل دارای پایه ده قضائی و رئیس دادگستری هر حوزه قضائی باید حداقل دارای پایه نه و ده سال سابقه کار قضائی و دادستان هر حوزه قضائی باید حداقل دارای پایه هشت و ده سال سابقه کار قضائی و رئیس شعبه تجدیدنظر باید حداقل دارای پایه نه قضائی و رؤسای شعب باید دارای پایه هفت قضائی باشند.

۸ - ماده (۱۴) و تبصره (۱) آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۴ -

الف - دادگاههای عمومی حقوقی با حضور رئیس دادگاه و یا دادرس علی‌البدل تشکیل می‌شود و تمام اقدامات و تحقیقات به وسیله رئیس دادگاه یا دادرس علی‌البدل وفق قانون آئین دادرسی مربوط انجام می‌گردد و اتخاذ تصمیم قضائی و انشای رأی با



مبتغای

قاضی دادگاه است.

ب - دادگاههای خانواده با حضور مشاور قضائی زن که دارای پایه قضائی است اقدام به رسیدگی نموده و نظر مشورتی آنان قبل از صدور حکم توسط رئیس دادگاه اخذ خواهد شد.

ج - دادگاههای عمومی جزائی و انقلاب با حضور رئیس دادگاه یا دادرس علی البدل و دادستان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان تشکیل می گردد و فقط به جرائم مندرج در کیفرخواست و فوق قانون آئین دادرسی مربوط رسیدگی می نماید و انشای رأی پس از استماع نظریات و مدافعات دادستان یا نماینده او وفق قانون برعهده قاضی دادگاه است.

تبصره ۱ - هرگاه دادگاه نقصی در تحقیقات مشاهده نموده یا انجام اقدامی را لازم بداند، خود تکمیل می نماید و نیز می تواند رفع نقص و تکمیل پرونده را با ذکر موارد نقص از دادرسای مربوط درخواست کند.

۹ - ماده (۱۵) به شرح زیر اصلاح می گردد:

ماده ۱۵ - دادرسان علی البدل عهده دار انجام کلیه اموری هستند که از طرف رؤسای دادگاهها در چارچوب قوانین به آنان ارجاع می شود و در غیاب رئیس شعبه دادگاه حسب تعیین رئیس کل دادگاهها شعبه بلامتصدی را تصدی و اداره می نمایند.

۱۰ - متن زیر به عنوان ماده (۱۸) و تبصره های آن به قانون صدرالذکر افزوده می شود:

ماده ۱۸ - آرای غیر قطعی و قابل تجدیدنظر یا فرجام، همان می باشد که در قوانین آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی و ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی ذکر گردیده است. در



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱۴۵۱

تاریخ ۱۳۸۰ / ۹ / ۱۲

پست

بتصلی

مورد آرای قابل تجدیدنظر یا فرجام، تجدیدنظر و فرجام خواهی بر طبق مقررات آئین دادرسی مربوط انجام می شود.

در مورد آرای قطعی، جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر است نمی توان رسیدگی مجدد نمود مگر اینکه رأی، خلاف بین قانون یا شرع باشد که در آن صورت به درخواست محکوم علیه (چه در امور مدنی و چه در امور کیفری) و یا دادستان مربوط (در امور کیفری) ممکن است مورد تجدیدنظر واقع شود. تبصره ۱ - مراد از خلاف بین این است که رأی برخلاف نص صریح قانون و یا در موارد سکوت قانون مخالف مسلمات فقه باشد.

تبصره ۲ - درخواست تجدیدنظر نسبت به آراء قطعی مذکور در این ماده اعم از اینکه رأی در مرحله نخستین صادر شده و به علت انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی قطعی شده باشد یا قانوناً قطعی باشد و یا از مرجع تجدیدنظر صادر گردیده باشد باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی به شعبه یا شعبی از دیوان عالی کشور که «شعبه تشخیص» نامیده می شود تقدیم گردد. شعبه تشخیص از پنج نفر از قضات دیوان مذکور به انتخاب رئیس قوه قضائیه تشکیل می شود.

در صورتی که شعبه تشخیص وجود خلاف بین را احراز نماید، رأی را نقض و رأی مقتضی صادر می نماید. چنانچه وجود خلاف بین را احراز نکند، قرار رد درخواست تجدیدنظرخواهی را صادر خواهد نمود. تصمیمات یادشده شعبه تشخیص در هر صورت قطعی و غیرقابل اعتراض می باشد.

تبصره ۳ - خواهان تجدیدنظر باید هزینه تجدیدنظرخواهی را وفق قانون پرداخت کند و چنانچه ظرف ده روز پس از اخطار دفتر شعبه تشخیص، هزینه را پرداخت ننماید، شعبه تشخیص قرار رد درخواست او را صادر خواهد نمود. این فرار قطعی و غیرقابل اعتراض می باشد. اگر تجدیدنظرخواهی از سوی دادستان مربوط باشد، دادستان از پرداخت هزینه دادرسی معاف است. این معافیت شامل سایر مواردی هم که دادستان



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

بتعمالی

شماره ۱۴۵۱-۵

تاریخ ۱۳۸۰/۹/۱۲

پوست

تقاضای تجدیدنظر نماید می باشد.

تبصره ۴ - از هیچ حکم قطعی یا قطعیت یافته بیش از یک بار نمی توان به عنوان خلاف بین درخواست تجدیدنظر نمود.

تبصره ۵ - در مواردی که برحسب قانون دیوان عالی کشور باید اعاده دادرسی را تجویز کند، این امر با شعبه تشخیص مذکور در تبصره (۲) این ماده خواهد بود.

۱۱- تبصره ذیل ماده (۲۰) حذف و دو تبصره زیر به آن ماده الحاق می گردد:

تبصره ۱ - رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد باشد و نیز رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی ابتدائاً در دادگاه تجدیدنظر استان به عمل خواهد آمد و در این مورد، دادگاه مذکور «دادگاه کیفری استان» نامیده می شود. دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جنایاتی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب یا حبس دائم باشد از پنج نفر (رئیس و چهار مستشار یا دادرس علی البدل دادگاه تجدیدنظر استان) و برای رسیدگی به جنایاتی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو و جرائم مطبوعاتی و سیاسی باشد از سه نفر (رئیس و دو مستشار یا دادرس علی البدل دادگاه تجدیدنظر استان) تشکیل می شود و وفق مقررات قوانین محاکم جنائی - مصوب ۱۳۳۷ و ۱۳۳۹ - رسیدگی می نماید. دادگاه کیفری استان در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی با حضور هیأت منصفه تشکیل خواهد شد.

تبصره ۲ - در شهرستان مرکز استان، رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان می باشد و رئیس شعبه اول دادگاههای عمومی مرکز استان رئیس کل دادگاههای آن شهرستان خواهد بود و در غیر مرکز استان رئیس هر حوزه قضائی، رئیس شعبه اول دادگاه عمومی آن حوزه قضائی است.



مبتغای

۱۲- ماده (۲۱) به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۲۱ - مرجع تجدیدنظر آراء قابل تجدیدنظر دادگاههای عمومی حقوقی و جزائی و انقلاب، دادگاه تجدیدنظر استانی است که آن دادگاهها در حوزه قضائی آن استان قرار دارند. آراء دادگاههای کیفری استان و آن دسته از آراء دادگاههای تجدیدنظر استان که قابل فرجام باشد ظرف مهلت مقرر برای تجدیدنظر خواهی، قابل فرجام در دیوان عالی کشور است.

۱۳ - ماده (۲۲) و تبصره های آن به شرح زیر اصلاح می گردد:

ماده ۲۲ - رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان به درخواست تجدیدنظر از احکام قابل تجدیدنظر دادگاههای عمومی جزائی و انقلاب وفق مقررات قانونی آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با حضور دادستان یا یکی از دادیاران یا معاونان وی به عمل می آید و در مورد آراء حقوقی وفق قانون آئین دادرسی مربوط خواهد بود.

تبصره ۱ - اگر در دادگاه تجدیدنظر متهم بی گناه شناخته شود حکم بدوی فسخ و متهم تبرئه می گردد، هر چند که درخواست تجدیدنظر نکرده باشد و در این صورت اگر متهم در زندان باشد فوراً آزاد می شود.

تبصره ۲ - هرگاه دادگاه تجدیدنظر پس از رسیدگی محکوم علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند ضمن تأیید حکم بدوی مستدلاً می تواند مجازات او را تخفیف دهد، هر چند که محکوم علیه تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد.

تبصره ۳ - در امور کیفری مرجع تجدیدنظر نمی تواند مجازات مقرر در حکم بدوی را تشدید کند، مگر اینکه دادستان یا شاکی خصوصی درخواست تجدیدنظر کرده باشد.

تبصره ۴ - اگر حکم تجدیدنظر خواسته از نظر محاسبه محکوم به یا خسارات یا تعیین مشخصات طرفهای دعوا یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱۴۵۱

تاریخ ۱۳۸۰/۹/۱۲

پوست

بتجلی

متضمن اشتباهی باشد که به اساس حکم لطمه‌ای وارد نسازد، مرجع تجدید نظر با اصلاح حکم آن را تأیید می‌نماید و تذکر لازم را به دادگاه بدوی خواهد داد.

۱۴- عبارت زیر به عنوان بند (ج) به قسمت (۲) ماده (۲۶) الحاق می‌گردد:
ج - دادستان از حکم براءت یا محکومیت غیر قانونی متهم.

۱۵- ماده ذیل جایگزین ماده (۳۸) می‌گردد:
ماده ۳۸- دولت مکلف است در قالب قانون بودجه سالانه، اعتبارات لازم را برای تهیه وسایل و تجهیزات لازم و به کارگیری نیروی انسانی جهت اجرای این قانون تأمین نماید.

۱۶- ماده ذیل به عنوان ماده (۳۹) الحاق می‌گردد:
ماده ۳۹- از تاریخ اجرای این قانون در هر حوزه قضائی کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون در آن قسمت که مغایرت دارد در همان حوزه نسخ و لغو می‌شود.
لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ششم آذر ماه یکهزار و سیصد و هشتاد به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

مهدی کردی

رئیس مجلس شورای اسلامی